

The political effect of the construction of the Zangzor Corridor on the geopolitical weight of the Iran

Kamel Moniri¹ 

Mostafa Ghaderi Hajat² 

Iraj Amirpour Ghojeh Bigloo³ 

Received: 2024-03-06

Revised: 2024-06-01

Accepted: 2024-06-05

Available Online: 2026-03-18

How to cite this article:

Moniri, K., Ghaderi, M. & Amirpur, I. (2026). The political effect of the construction of the Zangzor Corridor on the geopolitical weight of the Iran, *Iranian Research Letter of International Politics*, 14 (01), 80 - 102 .(in Persian with English abstract)
<https://doi.org/10.22067/irlip.2026.87162.1509>

Extended abstract

1- INTRODUCTION

Zangzor Corridor as a key and strategic space, which, according to clause 9 of the Moscow Tripartite Agreement, allows Azerbaijan access to the Nakhichevan Autonomous Republic, and through this access it is possible to connect the Turkic territories. Due to its location in the geopolitically sensitive region of the South Caucasus after the collapse of the Soviet Union and the resulting power vacuum, the Corridor provided the ground for the presence of regional and transregional powers to fill the power vacuum. And regional and trans-regional actors expanded their relations with countries in the region by adopting strategic plans. The South Caucasus region is one of the most important geopolitical and geostrategic regions for Iran, whose effective presence in its development in various dimensions will provide part of the country's resources or even national security.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Regionalism emerged after the end of World War II and during the Cold War in order to increase regional stability and increase political influence. The South Caucasus region constitutes a security complex or integrated strategic complex due to the competitive policies and ambitions of the regional governments, the existence of non-state actors, and external and internal challenges. This region is known as a regional system, or better said, a regional security complex. The Zangezur Corridor can be examined under the subcategory of region-

1. Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Social Sciences, AJA Command and Staff University, Tehran, Iran (Corresponding Author) K.moniri@casu.ac.ir
2. Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Mo-dares University, Tehran, Iran m.gaderihajat@modares.ac.ir
3. Master's degree in Geopolitics, AJA Command and Staff University, Tehran, Iran amirpooriraj7@gmail.com



alism theory because it leads to a military alliance between Türkiye and Azerbaijan, integrated economic alliances without the presence of Iran, and the strengthening of the Organization of Turkic-Speaking Countries.

3- METHODOLOGY

The current article is analytical in nature, focusing on the security theory of the Copenhagen school, and its purpose is to identify and analyze the political consequences of the construction of the Zangzor Corridor on Iran's geopolitical weight, which has been analyzed using a targeted snowball. and using the MAXQDA software. The statistical community consists of experts who are familiar with the issues related to the Nagorno-Karabakh war and the Nagorno-Karabakh corridor and have the necessary knowledge of the situation and activities. The sample size is between 11 commanders and professors of military and civilian universities, as well as experts and specialists in the field of geopolitics.

4- RESULTS & DISCUSSION

Based on the conducted research and interviews with academic and military experts in this field, the construction of Zangzor Corridor by weakening the geopolitical weight of Iran has a direct connection. In this regard, the planning of the policies of the Republic of Azerbaijan and Turkey regarding the Zangzor Corridor is not in favor of Iran, considering that the most important geopolitical effect of the construction of the Zangzor Corridor is the cutting of the international border. Between Iran and Armenia, which blocks the thousand-year land route of Europe and the Black Sea, and Iran causes geopolitical suffocation. Therefore, the main factor of weakening Iran's geopolitical position and weight is due to the reduction of the dependence of the Republic of Azerbaijan and Turkey on the territorial space of Iran and due to the spatial continuity created, the relations between Turkey and the central countries. Asia and the Caspian Sea area will be strengthened, which leads to identity conflicts in the Azeri part of Iran. Also, the construction of the corridor is important for NATO and the European Union because it expands NATO's sphere of influence to the east, and on the other hand, it can play a logistical role for Europe and NATO and solve its energy challenges in this field.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

The construction of the Zangzor Corridor under the ownership of the Republic of Azerbaijan provides the ground for changing the geopolitics of the region and the presence of regional and extra-regional powers, and provides the ground for reducing Iran's geopolitical weight. The findings of the article show that the Zangzor Corridor is gaining strength due to the change of international borders, the reduction of Azerbaijan's dependence on Iran, the increase of identity confrontations, and the weakening of Iran in the east-west axis. Iran's geopolitical rival in the region, Azerbaijan's military alliances, weakens Iran's geopolitical position in the Caucasus region, and issues such as Turkey's spatial connection with Azerbaijan, the Caspian Sea, and Central Asian countries increase relations between Turkic speakers. Also, the expansion of Turkey's geopolitical sphere of influence in the Caucasus and the expansion of NATO's sphere of influence to the east can have a negative role in Iran's geopolitical weight.

Key Words: South Caucasus, Dalan, Zangzor, Geopolitical weight, Iran.

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل
دوره ۱۴. شماره یک
شماره پیاپی ۲۷
پاییزه زمستان ۱۴۰۴

دوره انتشار: دو فصلنامه
شاپا چاپی: ۲۳۲۲-۳۴۷۲
شاپا الکترونیک: ۲۷۱۷-۳۴۰۲

doi 10.22067/irlip.2026.87162.1509

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۷



تأثیر سیاسی احداث دالان زنگزور بر وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران

کامل منیری^۱ id

مصطفی قادری^۲ id

ایرج امیرپور قوجه بیگلر^۳ id

چکیده

دالان زنگزور به عنوان فضایی کلیدی و راهبردی که طبق بند ۹ توافق سه جانبه در مسکو، به آذربایجان اجازه دسترسی به جمهوری خودمختار نخجوان را می‌دهد و متأثر از این دسترسی امکان پیوسته کردن سرزمین‌های ترک نشین فراهم می‌شود. مقاله حاضر با محور قرار دادن نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ و نظریه مناطق حائل، درصدد شناسایی و تحلیل تأثیرهای سیاسی دالان زنگزور بر وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران است و لذا سؤال مقاله نیز بر همین مبنا شکل گرفته که آثار سیاسی دالان زنگزور کدامند و چگونه بر وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران تأثیر می‌گذارد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که دالان زنگزور به دلایل تغییر مرزهای بین‌المللی، کاهش وابستگی جمهوری آذربایجان به ایران، افزایش تقابلات هویتی، کم‌رنگ کردن ایران در محور شرقی - غربی، قدرت گرفتن رقیب ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و مسائلی همچون پیوستگی فضایی ترکیه با جمهوری آذربایجان، دریای خزر و کشورهای آسیای مرکزی، افزایش مناسبات کشورهای ترک‌زبان از جمله دلایل گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز و گسترش حوزه نفوذ ناتو به سمت شرق، می‌تواند بر وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران نقش منفی داشته باشد. پژوهش حاضر با ماهیت تحلیلی و کیفی بوده که با استفاده از روش تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده پرداخته است روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی که از طریق مصاحبه با افراد متخصص مشتمل بر ۱۱ نفر در این حوزه صورت گرفته است.

کلیدواژه: قفقاز جنوبی، دالان، زنگزور، وزن ژئوپلیتیکی، ایران

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
K.moniri@casu.ac.ir

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران m.gaderihajat@modares.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران 7@amirpooriraj@gmail.com

۱- مقدمه

جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به وزن ژئوپلیتیکی بالاتر در منطقه همواره نسبت به تحولات کشورهای استقلال یافته، به ویژه کشورهای منطقه قفقاز جنوبی در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی حساس بوده است. در سال های بعد از استقلال (۱۹۹۱)، قفقاز جنوبی شاهد مناقشه جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر مالکیت قره باغ بوده است این مناقشه نه تنها قفقاز جنوبی را با بحران مواجه ساخته، بلکه در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای تأثیرگذار بوده و زمینه ورود برخی قدرت های فرامنطقه ای را نیز فراهم کرده است که می توان به حضور اسرائیل در کشور جمهوری آذربایجان و حضور فراگیر آمریکا و ناتو اشاره کرد. منطقه قفقاز جنوبی یکی از مناطق مهم به لحاظ ژئوپلیتیکی^۱ و راهبردی برای ج.ا.ایران است که حضور مؤثر در تحولات آن در ابعاد مختلف، تأمین کننده ی بخشی از منابع و امنیت ملی کشور خواهد بود.

یکی از مناطقی که از لحاظ ژئوپلیتیکی دارای اهمیت است و بعد از جنگ ۴۴ روزه در سال ۲۰۲۰ مطرح شد و منافع ج.ا.ایران را در سالیان دراز تحت تأثیر قرار می دهد مطرح شدن دالان زنگرور است دالان زنگرور یک مفهوم حمل و نقل در منطقه قفقاز جنوبی است که برابر بند ۹ توافق سه جانبه در مسکو مطرح شد و به آذربایجان اجازه می دهد به جمهوری خودمختار نخجوان دسترسی و ملت های ترک را یکپارچه کند و به عنوان قطعه ای کلیدی و راهبردی محسوب می شود نقش اصلی دالان زنگرور در سطح محلی به عنوان متصل دهنده جمهوری خودمختار نخجوان با خاک اصلی جمهوری آذربایجان است، در رقابت های ژئوپلیتیکی قدرت ها بر سر منافع زنگرور به عنوان قطعه ای کلیدی و یکی از واقعیت های غیرقابل انکار دنیای مدرن است که تحقق آن از ضرورت های ژئوپلیتیکی جهان امروز به شمار می آید. شرایط ژئوپلیتیکی در حال تغییر جهان امروز، علی الخصوص پس از جنگ تحمیلی و تهاجمی روسیه به اوکراین، تشدید چالش های سیاسی و امنیتی بین چین و آمریکا، بحران انرژی در اروپا و ضرورت های ژئواکونومیکی جهانی، این قطعه کلیدی را از ضرورت و اهمیت برخوردار کرده است. در واقع دالان زنگرور محلی برای قدرت نمایی ایران، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و کشورهای فرامنطقه ای از جمله روسیه، اسرائیل و ناتو تبدیل شده است که حضور این قدرت های فرامنطقه ای می تواند برای ج.ا.ایران تبعات سیاسی-امنیتی به جای بگذارد، به عنوان مثال اسرائیل در قالب فعالیت های عمرانی و کشاورزی در طرحی بانام موشاو در جمهوری آذربایجان اقدام به فعالیت های اطلاعاتی در کنار مرز ایران می کند (Refat Nejad et al, 2015: 143). در درگیری های اخیر که در این منطقه صورت گرفته و به احتمال زیاد در آینده هم شاهد اتفاق آن خواهیم بود در صورتی که دالان مورد نظر بتواند با اشغال خاک ارمنستان در استان سیونیک سرزمین جمهوری آذربایجان به نخجوان را متصل کند، ج.ا.ایران را با چالش ژئوپلیتیکی در ابعاد سیاسی، از جمله تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در منطقه قفقاز، نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز و کارکرد همسوی دالان زنگرور با سیاست های ناتو مواجه می سازد.

با عنایت به هم مرز بودن ج.ا.ایران با کشور ارمنستان، پژوهش حاضر درصدد است با ماهیت تحلیلی، تأثیرات سیاسی دالان زنگرور بر وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران مورد ارزیابی قرار می دهد و به دنبال پاسخگویی به سؤال اصلی

تحقیق مبنی بر اینکه آثار سیاسی دالان زنگزور کدامند و چگونه بر وزن ژئوپلیتیکی ج.ا. ایران تأثیر می‌گذارد؟ می‌باشد و مقاله حاضر به دلیل اینکه از بعد اکتشافی است بر همین اساس در روند پژوهش از آوردن فرضیه اجتناب می‌گردد تا فرایند پژوهش فارغ از هرگونه جهت‌گیری به اهداف اصلی خود احصاء گردد.

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱- قلمروهای حائل:

اصطلاح قلمروهای حائل برای اولین بار در سال ۱۸۷۵ برای یک نهاد سیاسی به کار رفت و اولین بار در سال ۱۸۸۳ مورد استفاده قرار گرفت (Hafeznia, Ahmadi, hourcad, 2013: 4). قلمروهای حائل به ژئوپلیتیک امپریالیستی برمی‌گردد و به عبارت دقیق‌تر مناطقی هستند که بین دو ایالت رقیب یا دو قدرت قرار دارند به عنوان مثال اوکراین نقش قلمرو حائلی بین روسیه و ناتو را در سیاست جهانی بازی می‌کند (Atzili, kim, 2023: 7). اصطلاح سیاسی حائلی بودن قفقاز جنوبی به این معناست که این منطقه به عنوان یک مانع سیاسی و طبیعی بین روسیه، ایران و ترکیه عمل می‌کند و از توسعه نفوذ و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر جلوگیری می‌کند عواملی همچون تنوع زبانی، قومی و مذهبی و وجود اختلاف‌ها و تنش‌های داخلی و خارجی، وجود منابع طبیعی مهم مانند آب، نفت و گاز، وجود سازمان‌ها و ائتلاف‌ها، وجود پروژه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند خط لوله‌ها مثل تاناپ، راه آهن مثل راه آهن ایغدیر- نخجوان و همکاری‌های اقتصادی از جمله مسائل حائلی بودن این منطقه محسوب می‌شود. در همین راستا قفقاز از این جهت برای ایران حائز اهمیت است که به عنوان منطقه حائلی در برابر روسیه عمل می‌کند کنت والتز از میان کشورهای قفقاز جنوبی، ارمنستان را به عنوان منطقه حائل برای قدرت‌های مسلط در نظام بین‌الملل نام می‌برد در سالیان اخیر ارمنستان در نقش متوازن کننده عمل کرده و ایران از این کشور در جایگاه منطقه حائل در مقابل به قدرت رسیدن آذربایجان در آینده استفاده می‌کند (Jaafari Veldani et al, 2015: 141-142) بنابراین احداث دالان زنگزور در سیونیک ارمنستان موجب زایل شدن حائلی این منطقه برای ایران و باعث قدرت‌گیری رقیبان ژئوپلیتیکی ایران در این منطقه شده و نتیجتاً موجب کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران می‌شود.

۲-۲- نظریه باری بوزان (منطقه‌گرایی):

منطقه‌گرایی پس از پایان جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد به منظور افزایش ثبات منطقه‌ای و افزایش نفوذ سیاسی پدید آمد (Nermatov, 2022: 68) و معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده و نوعی گرایش سیاسی-اقتصادی و بیانگر انتقال قدرت از بازیگران بزرگ به متوسط و حتی کوچک است، منطقه‌گرایی معمولاً به سه صورت تجلی می‌یابد؛ اول: سامانه‌های اتحاد نظامی مانند ناتو، دوم: اتحادیه‌های اقتصادی مانند اتحادیه اروپا، سوم: گروه‌بندی‌های سیاسی از قبیل اتحادیه عرب (Kollivand et al, 2023: 6) باری بوزان در مکتب کپنهاگ معتقد است، منطقه‌گرایی در قیاس با دوران جنگ سرد تقویت شده است از نظر اندیشمندان مکتب کپنهاگ «امنیت منطقه‌ای» یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن، نخست: دغدغه امنیتی مشابهی دارند، دوم: از نظر تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی دارای خاطرات یا سرنوشت نسبتاً

مشترکی اند و واحدهای تشکیل دهنده آن برحسب نگرانی‌ها، درک و برداشت یکسان از تهدیدات، به منظور تأمین امنیت و حفظ خود تن به قواعد و سازوکارهای مشخص می‌دهند (Abdullah Khani, 2020: 119). منطقه قفقاز جنوبی به دلیل اتخاذ سیاست‌های رقابت جویانه و جاه‌طلبی‌های دولت‌های منطقه، موجودیت بازیگران غیردولتی و چالش‌های بیرونی و درونی تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی یا مجموعه راهبردی یکپارچه است این منطقه به عنوان یک نظام منطقه‌ای و به عبارتی بهتر یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای شناخته می‌شود و دارای الگوهای نظام منطقه‌ای از جمله، الگوی همکاری‌های منطقه‌ای فراگیرتر که در آن سه کشور حوزه قفقاز در همکاری امنیتی با کشورهای همسایه قرار می‌گیرند مانند ایده ۳+۳ یعنی همکاری سه کشور قفقاز با کشورهای همسایه خود از جمله ایران، روسیه و ترکیه و همچنین الگوی ۳+۲ ارمنستان برای همکاری روسیه و ایران با سه کشور قفقاز. در کل روند تحولات امنیتی در منطقه قفقاز جنوبی طی دو دهه اخیر حاکی از وجود وابستگی متقابل امنیتی منفی در قفقاز جنوبی است، از این رو شاهد هستیم که به موازات افزایش توانایی نظامی آذربایجان احساس نگرانی و ناامنی در ارمنستان تشدید می‌شود. در نتیجه برآیند این تحولات حاکی از آن است که علی‌رغم وجود وابستگی متقابل امنیتی میان واحدهای منطقه قفقاز جنوبی، غلبه بُعد منفی این وابستگی در این منطقه موجب شده است تا این منطقه نتواند روندهای امنیتی همکاری را در قالب یک نظام امنیت منطقه‌ای در طی دو دهه اخیر تجربه نماید (Dad Andish and Koleji, 2018: 93-99). بر همین اساس دالان زنگرور به دلیل اینکه منجر به ائتلاف نظامی ترکیه و آذربایجان، اتحادهای یکپارچه اقتصادی بدون حضور ایران و تقویت سازمان کشورهای ترک‌زبان می‌شود می‌توان در زیرمجموعه نظریه منطقه‌گرایی مورد بررسی قرار داد.

۳-۲- مکتب امنیتی کپنهاگ:

مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی، یک مکتب فکری است که باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها، هراس: مسئله امنیت ملی در روابط بین‌الملل» که اولین بار در سال ۱۹۸۳ انتشار یافت ریشه دارد به طور کلی مکتب کپنهاگ تأکید خاصی بر جنبه اجتماعی امنیت دارد (Buzan, 2001: 259). بوزان اظهار دارد، برخلاف اعتقاد رئالیست‌ها به کسب امنیت از طریق کسب قدرت و یا اعتقاد آرمان‌گرایان به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون نیازمند ارائه یک دیدگاه جدید که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد وی ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی گسترش می‌دهد. دلایل بوزان برای گسترش مفهوم امنیت در ابعاد پنج‌گانه عبارت است از: افزایش سطح روابط میان کنشگران نظام بین‌الملل باعث تغییر و دگرگونی چهره تهدیدات گردیده و انواع دیگری از تهدیدات به جز تهدیدات نظامی ظهور یافته‌اند، دوم مفهوم امنیت باعث جلوگیری از اختلافات میان رئالیست‌ها و آرمان‌گراها می‌شود زیرا از یک سو باعث مهیا شدن فضای صلح برای بازیگران طالب صلح می‌شود اما در عین حال به آن‌هایی که به دنبال سلطه بر دیگران می‌باشند فرصت چندانی نخواهد داد، سومین دلیل به ویژگی چندبعدی بودن امنیت از لحاظ فکری برمی‌گردد در این ویژگی مفهوم امنیت به عنوان پیونددهنده تئوری و تحلیل اقدام می‌کند که در نتیجه این فرایند تئوری‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای را با سایر حوزه‌های سیاست بین‌الملل را پیوند می‌دهد (Buzan, 2011: 259). مکتب کپنهاگ را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه

شکل ۱: نمودار ساختاری پژوهش (نگارندگان)



رتالیست‌ها و لیبرالیست‌ها در بحث امنیت دانست، رتالیست‌ها در مکتب کپنهاگ، در بحث امنیت محوریت را قدرت نظامی قرار می‌دهند در حالی که لیبرال‌ها تأمین امنیت را در دستیابی به صلح قلمداد می‌کنند (Alder, 2008: 13).

۳- روش‌شناسی

این مقاله از نوع کاربردی با رویکرد تحلیلی و کیفی بوده که از طریق مصاحبه به صورت هدفمند گلوله برفی که در فرایند تحقیق محورهای اساسی این مقاله که با استفاده از روش تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل پرداخته و با استفاده از نرم افزار MAXQDA مدلی ارائه شده است جامعه آماری تحقیق شامل افرادی است که مشتمل بر کارشناسان خبره و صاحب نظر است که از مسائل جنگ قره‌باغ و دالان زنگرور به اندازه کافی مطلع بوده و نسبت به وضعیت و فعالیت‌ها آگاهی لازم را دارند و حجم نمونه مصاحبه ۱۱ نفر از فرماندهان و استادان دانشگاه‌های نظامی و غیرنظامی و متخصصین و کارشناسان خبره در حوزه ژئوپلیتیک است.

۴- پیشینه تحقیق

مصطفوی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان دالان زنگرور و امنیت ملی ایران (۱۴۰۰)، بیان می‌کند که ایجاد کریدور یا دالان زنگرور بین خاک آذربایجان و نخجوان قطعاً موجب به هم خوردن ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی خواهد شد در این منطقه ترکیه ایفای نقش خود را در برهم زدن نظم منطقه قفقاز جنوبی تنها

از طریق نفوذ بر جمهوری آذربایجان میسر می‌بیند.

موجدیان در مقاله‌ای تحت عنوان اهداف جمهوری آذربایجان از احداث دالان زنگرور (۱۴۰۱)، بیان می‌کند که احداث دالان زنگرور در امتداد مرز ایران و ارمنستان یا در محلی بالاتر از مناطق مرزی پیوستگی سرزمینی ایران با ارمنستان را قطع می‌کند همچنین احداث این دالان باعث می‌شود که مسیرهای ترانزیتی ما را در شمال و شمال غربی به سمت اروپا برای صادرات و واردات، در اختیار جمهوری آذربایجان و ترکیه قرار می‌گیرد و این دو کشور با همکاری هم ائتلاف کشورهای ترک را تشکیل می‌دهند و این برای امنیت ملی و اقتصاد کشور خطرناک است از سوی دیگر ترکیه عضو ناتو است و از طریق نخجوان به بخشی از خاک جمهوری آذربایجان دسترسی دارد که با احداث این دالان ترکیه و ناتو تا دریای خزر دسترسی‌شان تسهیل خواهد شد طبیعتاً همسایه شدن با ناتو یک تهدید جدی علیه منافع ج.ا.ایران است.

صادقیان در مقاله‌ای تحت عنوان دالان زنگرور مبارزه مستقیم؛ تعاملات چندجانبه (۱۴۰۲) بیان می‌کند که احداث دالان زنگرور منافع ایران و حذف ایران از تمامی معادلات انرژی و ترانزیتی منطقه قفقاز جنوبی تحت تأثیر قرار می‌دهد و به منظور جلوگیری از شکل‌گیری دالان زنگرور با در نظر گرفتن همه تحولات و معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی بهتر است؛ ارتباطات و عضویت در معادلات دوجانبه تقویت گردد، تحقق مدل همکاری ۳+۳ یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در این راستا مؤثر باشد همچنین گفتگوی دوجانبه یا چندجانبه در خصوص چگونگی احداث دالان به نحوی که مرز ایران و ارمنستان قطع نشود، می‌بایست در اولویت مذاکرات مسئولین سیاست خارجی ایران با جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهای منطقه باشد.

کتنجی^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان اهمیت پیاده‌سازی دالان زنگرور برای منطقه (۲۰۲۲)، بیان می‌کند که دالان زنگرور در منطقه‌ای قرار دارد که برای چندین کشور از جمله ایران، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، روسیه و ترکیه مورد توجه قرار دارد در صورت اجرای مؤثر مسیری که از طریق خزر و ترکیه بین آسیای مرکزی و اروپا در جریان است دسترسی با سهولت انجام می‌شود بنابراین افزایش حجم تجارت ترکیه نه تنها با جمهوری آذربایجان بلکه با کل منطقه خاورمیانه خواهد بود با احداث دالان زنگرور روابط لجستیکی و سیاسی دولت ترکیه تقویت خواهد شد. گاولیچک^۲ و اسنکدروف^۳ در مقاله‌ای تحت عنوان کریدور زنگرور به عنوان بخشی از مسیر حمل و نقل جهانی (۲۰۲۳) افتتاح دالان زنگرور یک شریان جدید از شبکه حمل و نقل بین اروپا و آسیا ایجاد خواهد شد که همگی کشورهای منطقه می‌توانند از فرصت‌های ناشی از افتتاح این دالان برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش اعتماد متقابل بهره‌مند شوند که در نهایت تأثیر مثبتی بر روابط اقتصادی و تجاری بین غرب و شرق و همچنین در میان کشورهای منطقه خواهد داشت در این میان ارمنستان اگر تمایل به همکاری منطقه‌ای داشته باشد ممکن است شاخص‌های مثبتی را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی دالان زنگرور تجربه کند به عنوان مثال می‌تواند از این فرصت برای بیرون آمدن از انزوای اقتصادی و توسعه اقتصادی بهره‌برده همچنین دالان زنگرور یک پروژه بزرگ است که پتانسیل واقعی برای ایجاد صلح طولانی هست.

1. ketenci
2. Gawliczek
3. Iskandarov

۵- واکاوی پیامدهای سیاسی دالان زنگزور

منطقه‌ی قره‌باغ در دهه‌های گذشته به‌خصوص بعد از استقلال کشورهای قفقاز جنوبی در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همواره مورد مناقشه و محل درگیری بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بوده است که در سال ۲۰۲۰ با درگیری مستقیم ۴۴ روزه و همچنین امضای تفاهم‌نامه‌ها پس از جنگ، منجر به الحاق درآمدن منطقه قره‌باغ به خاک اصلی جمهوری آذربایجان شد (Akhbari, 2019: 1). پس از جنگ دوم قره‌باغ، ایران تحولات رخ داده در قفقاز جنوبی را علاوه بر یک تهدید ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی علیه منافع خود در میان مدت و بلندمدت، تهدیدی نسبت به امنیت ملی نیز تفسیر می‌کند به‌همین دلیل ایران نسبت به تحولات قفقاز جنوبی واکنش‌های سیاسی و نظامی متفاوتی نشان داده است. با شروع درگیری بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، دولت ایران در راهبرد سیاسی خود واکنش مثبت نسبت به الحاق منطقه قره‌باغ به آذربایجان داشته است اما نسبت به ایجاد دالان زنگزور در استان سیونیک ارمنستان به‌منظور ایجاد ارتباط زمینی بین آذربایجان و نخجوان مخالفت خود را اعلام کرده است در واقع افتتاح این دالان باعث از دست رفتن مزیت ارتباطی ایران و در سطح منطقه‌ای باعث کاهش اهمیت ژئوپلیتیکی ایران و متقابلاً باعث افزایش وزن ژئوپلیتیکی ترکیه به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ایران می‌شود که به‌مثابه این قدرت‌گیری منجر به ارتباط کشورهای ترک آسیای میانه و قفقاز خواهد شد (Koch, 2023: 4-6).

پس از پایان جنگ ۴۴ روزه در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، بیانیه سه‌جانبه بین رؤسای جمهور روسیه، آذربایجان و نخست‌وزیر ارمنستان امضا شد بر همین اساس در ماده ۹ این بیانیه آمده است که جمهوری ارمنستان باید ایمنی خطوط حمل‌ونقل بین مناطق غربی آذربایجان با منطقه شرقی یعنی نخجوان را تضمین کند و تمام ارتباطات حمل‌ونقلی منطقه را بازسازی کند و این حمل‌ونقل توسط سرویس امنیت فدرال روسیه کنترل خواهد شد (baghirov, 2021: 1-2) و در آوریل ۲۰۲۱، الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان هشدار داد که باکو در صورت لزوم گریز زنگزور را به ارمنستان تحمیل خواهد کرد و این منطقه را به‌عنوان منطقه تاریخی آذربایجان ادعا کرد (De waal, 2021: 8).

با توجه به این ادعا باید این نکته را در نظر داشت که جمهوری آذربایجان از اوایل دهه ۱۹۹۰ به‌دلیل محاصره جمهوری خودمختار نخجوان توسط خاک سرزمینی ارمنستان از خاک ایران برای دسترسی به منطقه برون‌گام خود استفاده می‌کرد و در این زمینه ایران به‌عنوان یک واسطه عمل می‌کرد پس با افتتاح دالان زنگزور به محاصره منطقه خودمختار نخجوان پایان خواهد داد و وابستگی آذربایجان به ایران کاهش می‌یابد، در مقابل برای ارمنستان ایده دالان زنگزور بی‌معنی است، زیرا به معنای از دست دادن کنترل سیاسی خود بر این منطقه است که با ادعای تاریخی رئیس‌جمهور آذربایجان نسبت به این مسئله احساس خطر کردند که در ۲ اکتبر ۲۰۲۱ آقای آرمن گریگوریان دبیر شورای امنیت ارمنستان در رابطه با این موضوع واکنش نشان دادند و گفتند اول قبل از هر چیزی منطق دالان را باید درک کرد، ما (ارمنستان) اعلام کرده‌ایم که هیچ دالان مستقلی نمی‌تواند در خاک ارمنستان شکل بگیرد، همین‌طور بیان کردند ممکن است جاده یا راهرویی باز شود برای ارتباط جمهوری آذربایجان با ترکیه ولی این جاده تحت کنترل کشور ارمنستان خواهد بود (De waal, 2021: 9).

نخست: باعث تغییر معادلات قدرت در منطقه گردید، دوم: مطرح شدن دالان زنگرور در منطقه سیونیک منجر به مورد توجه قرار گرفتن این منطقه توسط قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای شد. تقویت روابط سیاسی دولت‌های ترک در فرایند احداث دالان زنگرور دور از ذهن نیست و این امکان را فراهم می‌آورد که کشورهای ترک، به‌عنوان ستاره‌های روبه رشد در جهان کنونی در نقش بازیگری، تأثیرگذار و معادلات منطقه‌ای را در جهت منافع خود تغییر دهند در واقع هر نوع تغییرات مرزی، در نتیجه احداث این دالان متضاد با منافع ایران است (ketenci, 2022: 10-11)، با در نظر گرفتن معادلات منطقه‌ای در صورتی که کشورهای ترک زبان موفق به عملی کردن سند چشم‌انداز ۲۰۴۰ این سازمان، از جمله مسئله مربوط به احداث دالان زنگرور شوند این تفکر و ایده را می‌توان مطرح کرد که قرن ۲۱ به قرن ترک تبدیل خواهد شد (Tomar, 2023: 6) در این بین نباید نقش سیاست‌های روسیه مورد غفلت واقع شود روسیه اعلام کرده است که مرزهای امنیتی این کشور همان مرزهای سابق اتحاد شوروی است به صورت واضح‌تر روسیه امروز می‌خواهد با کارت برنده ایران و قربانی کردن این کشور، وارد بازی با غرب در ساختار جدید جهانی شود در همین راستا نیازمند نفوذ بیشتر در ایران است که برای این کار می‌کوشد مرزهای سیاسی ما را با همسایه‌های شمالی در قالب طرح‌های مختلف از جمله دالان زنگرور که در ابتدا شاهد قرارداد با کشور ترکیه در جهت انتقال انرژی از این مسیر و استقرار نیروهای FSB^۱ در جوار مرزها را در راهبرد خود دارد، لرزان کند.

۵-۱- تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در منطقه قفقاز:

تغییرات ژئوپلیتیکی عمیق، موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی، منطقه قفقاز جنوبی را به یکی از مهم‌ترین مناطق در جهان تبدیل کرده است و تأثیر قابل توجهی بر روابط ایران و سه جمهوری ارمنستان، آذربایجان و گرجستان داشته است و همچنین حضور فعال بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر این رابطه تأثیر مستقیم گذاشته است. بعد از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ و پیروزی جمهوری آذربایجان بر ارمنستان توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به این منطقه بسیار شده است در همین راستا تحولات در مرزهای شمال غربی ایران می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر وزن سیاسی ج.ا.ایران بگذارد در صورت ایجاد پروژه موسوم به دالان زنگرور و احداث آن در استان سیونیک و مسلط شدن آذربایجان به این منطقه که در نتیجه این مرز ۴۴ کیلومتری ایران با ارمنستان با چالش روبه‌رو می‌کند وضع ژئوپلیتیکی ایران در منطقه قفقاز را دچار مشکل می‌کند. با توجه به گرایش‌ها نژادپرستانه ترکیه و چشم طمع‌ی که به شرق و غرب دریای خزر دارد و نیز با توجه به نفوذ اسرائیل طی سه دهه گذشته در جمهوری آذربایجان که علاوه بر ابعاد سیاسی ابعاد نظامی هم قابل نمایان است و اسرائیل را به یکی از طرف‌های اصلی فروش سلاح به این کشور تبدیل کرده و با توجه به تلاش‌های سایر قدرت‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم در مرزهای ایران چشم‌پستن بر تحولات ژئوپلیتیکی مرزهای شمال غرب خسارت و خطراتی را برای کشور ما در پی می‌آورد. حکومت ایران بر اساس سیاست رسمی خود واکنش مثبتی به بازگشت حاکمیت قره‌باغ به آذربایجان داشته اما با ایجاد دالان زنگرور به منظور ایجاد ارتباط زمینی میان خاک اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان به شدت مخالفت می‌کند (Koch, 2023: 3)، از



دلایل مخالفت ایران با احداث دالان زنگزور که می‌تواند موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور را تحت الشعاع قرار دهد عبارت‌اند از؛ اولاً احداث دالان زنگزور باعث از دست رفتن مزیت ارتباطی ایران در سطح منطقه می‌شود، ثانیاً موجب اتصال خاک آذربایجان به نخجوان و در پی آن به ترکیه که زمینه‌های کاهش وابستگی این کشور را فراهم می‌کند و ممکن است بر کاهش موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در سطح منطقه تأثیر بگذارد ثالثاً افتتاح چنین دالانی از سویی مزیت‌های ارتباطی زیادی برای ترکیه و کشورهای ترک آسیای میانه و قفقاز خواهد داشت و این مسئله نیز در نوبه خود می‌تواند اهمیت ارتباطی و ژئوپلیتیکی ایران را در برابر کشورهای ترک را تحت تأثیر قرار دهد (Kazemi, 2022:7) و همچنین دالان زنگزور به‌عنوان کریدور شرقی-غربی که پیش‌بینی می‌شود چین را به اروپا متصل سازد که ممکن است مزیت‌های راهبردی ایران را نه‌تنها در منطقه بلکه در سطح جهانی با چالش مواجه کند (Iran Research Chamber, 2023: 11).

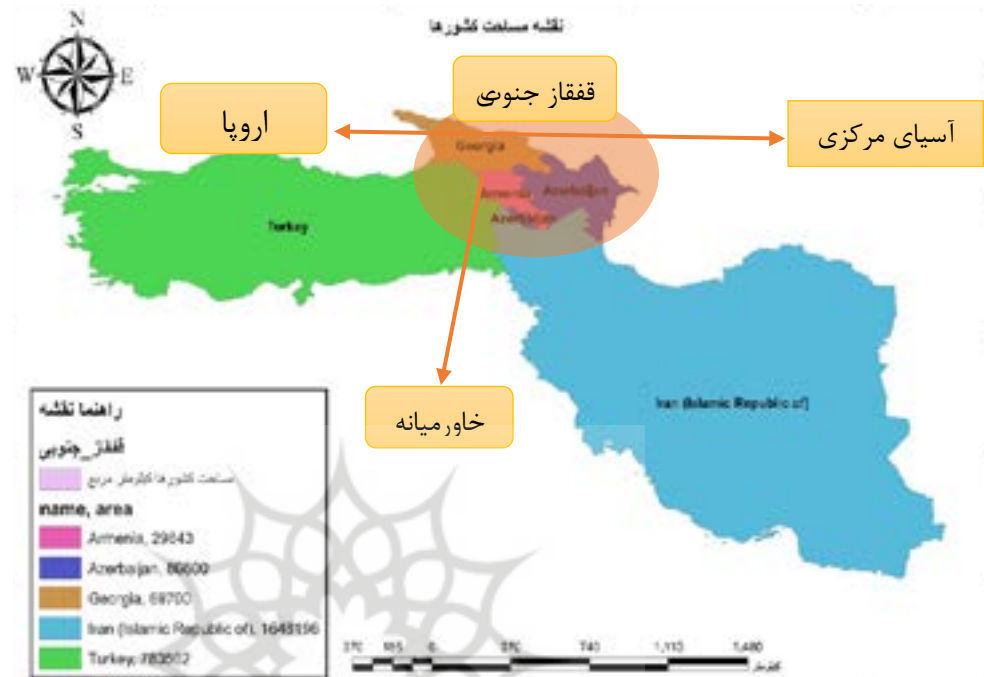
بدون شک احداث دالان زنگزور سطح همکاری در ابعاد مختلف میان کشورهای ترک در آسیای میانه، قفقاز و آناتولی را افزایش خواهد داد و با توجه به اینکه بخش مهمی از جمعیت ایران را شهروندان ترک تشکیل می‌دهند که یکی از نگرانی‌های اصلی سیاست‌مداران تهران افزایش میل و رغبت شهروندان ترک خود در آینده برای استفاده از مزیت‌های همگرایی بیشتر میان کشورهای ترک است به‌همین دلیل ایران دارای نگرانی عمیقی نسبت به تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی خود در طولانی مدت است مقامات ایران ایجاد دالان زنگزور را تنها محدود به اقتصاد و تجارت تعبیر نمی‌کنند و نگرانی‌هایی را ناشی از ضمیر ناخودآگاه خود در این زمینه را در برخی مواقع با اظهارات و اقدامات مختلف نشان می‌دهند (Koch, 2023: 5)

۵-۲- گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز جنوبی:

منطقه قفقاز جنوبی با اهمیت ژئوپلیتیکی و راهبردی بالایی که دارد به آسیای مرکزی اجازه می‌دهد تا به دریای سیاه و از آنجا به آناتولی و اروپا باز شود ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که قفقاز جنوبی را برای قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر ترکیه با اهمیت کرده است، می‌توان به تنوع قومی و زبانی، عدم دسترسی به آب‌های آزاد و محصور بودن آن در خشکی، موقعیت مواصلاتی و ارتباطی این منطقه با دنیای پیرامونی خود و خط لوله انتقال منابع انرژی اشاره کرد (Sharifzadeh, 2022: 1) در مورد نقش آفرینی ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی باید این نکته را مدنظر قرار داشت که ترکیه ایفای نقش خود را در برهم‌زدن نظم منطقه‌ای قفقاز جنوبی، تنها از طریق نفوذ بر جمهوری آذربایجان میسر می‌بیند و رهبران آنکارا نشین با توجه به همین فرصت، از سال‌های گذشته تمام توان خود را در این مسیر متمرکز نمودند که البته در سه سال گذشته به‌طور محسوس در راستای منافع خویش، حمایت‌های خود را نسبت به جمهوری آذربایجان نمایان نمودند که نمونه بارز این مواضع ترکیه را می‌توان از ابتدای جنگ ناگورنو قره‌باغ میان جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان مشاهده کرد.

ترکیه به‌طور جدی و با تمام توان خود در جنگ قره‌باغ، آذربایجان را زیر حمایت خود قرارداد و از طرفی با تحرکات مختلف امنیتی در تقابل با منافع ج.ا. ایران پرداخت همچنین ترکیه در جنگ قره‌باغ در صدر ملاحظات امنیتی اقداماتی انجام داد که به‌نوعی خط قرمز و در تضاد با منافع ایران بود به‌عنوان مثال ورود شبه‌نظامیان سوری مخالف رژیم بشار اسد در حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ ناگورنو که اساساً تسهیل، حمایت و هدایت این گروه‌های شبه‌نظامی از جانب ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی صورت می‌گرفت

شکل ۲: نقشه موقعیت گذرگاهی منطقه قفقاز جنوبی (نگارنده)



در بررسی سیاست‌های ترکیه و حمایت او از جمهوری آذربایجان بیان کردن این نکته حائز اهمیت است که ترکیه به دنبال نظامی نو در قفقاز جنوبی است که در پی آن به دنبال افزایش وزن و قدرت خود در عرصه منطقه‌ای است که ملزومات رسیدن به این راهبرد شاخص‌هایی همچون حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان در همه مناطق قره‌باغ دوم اینک ترکیه هم مثل روسیه تمایلی به حضور و نفوذ کشورهای غربی در قفقاز جنوبی ندارد در واقع ترکیه به دنبال گسترش یک دید منطقه‌ای مبتنی بر پیشبرد اهداف خود در این منطقه است سوم خطوط مواصلاتی و اتصالات جغرافیایی است که قرار است ترکیه از طریق نخجوان به جمهوری آذربایجان و از آنجا به سمت آسیای مرکزی برود این راهبرد به دو دلیل برای ترکیه اهمیت دارد؛ اول اینکه اتصال دهنده کشورهای ترک‌زبان خواهد بود دوم اینکه ترکیه در چشم‌انداز سیاست خارجی خود در میان مدت و بلندمدت به دنبال پیشبرد طرح‌های کلان اقتصادی در قفقاز و چین است (Kakai, 2023: 4-6).

گذرگاه زمینی اتصال آذربایجان با نخجوان بانام گذرگاه مغری که ترکیه نیز در جهت ساخت آن اعلام آمادگی کرده و آن را فرصت تاریخی عنوان کرده است در واقع پس از احداث این گذرگاه ژئوپلیتیکی زمینی، ترکیه خود را در مرحله تازه‌ای در سطوح چندگانه اقتصادی، انرژی، سیاسی و ژئواقتصادی میان خود و جمهوری‌های آسیای مرکزی تعریف می‌کند به موجب همین راهبرد پس از احداث دالان زنگرور تلاش خواهد کرد افق‌های جدیدی را برای خود باهدف نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی به کمک متغیرهای ارتباطی در رویکردهای سیاسی، انرژی و اقتصادی تبیین کند تحولات اخیر قفقاز علاوه بر اینکه موجب تقویت منزلت ترکیه در میان مردم آذربایجان شده است بلکه در شرایط فعلی آنکارا را در رسیدن به رویای خود در جهت نفوذ در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی با اهداف ژئوپلیتیکی و اقتصادی فراهم ساخته و بر وزن ژئوپلیتیکی ترکیه در رقابت با سایر بازیگران افزوده است (Mothari, 2023: 10-11).

**۵-۳- کارکردهم‌سوی دالان زنگزور با سیاست‌های ناتو:**

قفقاز جنوبی به دلایل منحصر به فرد از جمله قرار داشتن در محدوده راهبردی، نقطه اتصال شمال-جنوب و شرق-غرب، خطوط ارتباطی راهبردی و برخورداری از منابع سرشار انرژی و همچنین هم‌جواری با روسیه و ایران در واقع به‌عنوان هارتلند جدید دنیا تبدیل شده و همچنین شرایط ژئوپلیتیکی در حال تغییر جهان امروز علی‌الخصوص پس از جنگ تحمیلی و تهاجمی روسیه علیه اوکراین و در پی آن بحران به وجود آمده انرژی در اروپا این منطقه را در کانون مورد توجه بازیگران بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا، ناتو و منطقه‌ای قرارداد است. پروژه جنگ دوم قره‌باغ در اصل برای آزادسازی قره‌باغ نبود بلکه به‌عنوان یک پوشش برای اجرای این دالان ناتو که تاکنون شکست‌خورده است در واقع این کلمه ادعای ارضی علیه استان سیونیک ارمنستان دارد که به معنی نقض یکپارچگی ارضی آن کشور و نقض ماده ۴ منشور سازمان ملل متحد است از دیدگاه غرب ایران، چین و روسیه سه دشمن اصلی ناتو هستند و اتحاد آن‌ها منجر به شکل‌گیری یک نظم جدید منطقه‌ای می‌شود با توجه به اینکه منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تنها مناطقی هستند که با این سه کشور مشترک است بنابراین به‌عنوان مناسب‌ترین تمرکز جغرافیایی برای تبیین سیاست‌های خود می‌دانند پس با عنایت به این نکته دالان زنگزور به‌طور مستقیم ناتو را به مرزهای شمالی ایران می‌رساند و همچنین در تعیین اهداف ناتو، دالان زنگزور به‌عنوان واقعیت پیش‌بینی شده برای تقویت سازمان کشورهای به‌اصطلاح ترکی زبان است (kazemi, ۲۰۲۲: ۷-۸) همچنین در جریان تحولات جنگ قره‌باغ برژینسکی خاطرنشان کرد که استقلال آذربایجان پنجه‌ای است در دست ناتو و غرب برای دسترسی به بازار جهانی منابع غنی نفت و گاز در آسیای مرکزی و دالان زنگزور که زمینه را برای تقویت هویت ترک در زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد خواهد کرد که در این صورت باعث حوزه نفوذ در منطقه هارتلند می‌شود (Abdushelishvili, ۲۰۲۲: ۴۹).

در دیدار رئیس‌جمهور ایران با مشاور امنیت ملی ارمنستان در ۱۲ مهرماه ۱۴۰۲ تأکید کردند: «دالان زنگزور بستر حضور ناتو در منطقه است و تهدیدی ضد امنیت ملی کشورهاست که جمهوری اسلامی قاطعانه با آن مخالفت می‌کند» دالان زنگزور به این خاطر دالان ناتو نامیده می‌شود که سیاست گسترش ناتو تا دریای خزر و مرزهای جنوبی روسیه را بدون موانع جدی هموار می‌سازد. منافع اصلی چنین اقدامی برای آمریکاست که قدرت اصلی ناتو به شمار می‌رود که برای تبیین سیاست‌های خود به‌صورت صوری از ارمنستان حمایت کرد از طرفی به این دلیل مورد تشویق و حمایت انگلیس است که با بریتیش پترولیوم انگلیس که یک شرکت مادر در قفقاز و آذربایجان است، منافع درهم‌تنیده‌ای دارد و انتقال گاز آسیای مرکزی از روسیه و چین را به سمت اروپا هدایت می‌کند و فراتر از منافع اقتصادی، انرژی، امنیتی و سیاسی، انگلیس که معمار اصلی تغییر مرزها در منطقه است، در پشت پرده در تلاش برای اجرای دالان زنگزور است، این دالان در راستای اهداف ناتو زمینه را برای وارد کردن ضربات جدی به منافع اساسی و حیاتی ایران در چهار حوزه فراهم می‌سازد؛ ۱- حوزه ترانزیتی: کریدور اتصال خلیج فارس به دریای سیاه از میانه قطع یا باعث

تضعیف می‌شود ۲- حوزه انرژی: دالان زنگزور بعد از احداث قرار است گاز ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان را از خزر به باکو برساند در حال حاضر از باکو تا ایتالیا خط لوله انتقال گاز فعال است اما باکو به تنهایی به دلیل نبود گاز کافی و حجم خط لوله کم برای ارسال گاز این منطقه ندارد در صورت تحقق دالان زنگزور و اتصال گاز سه کشور مذکور به این خط لوله، اروپا به گاز روسیه در قالب خطوط لوله راهبردی نورد استریم و ایران نیاز جدی نخواهد داشت ۳- حوزه مسائل قومی: دالان زنگزور یاهمان دالان تورانی ناتو قرار است با اتکا به زمینه‌های موجود قومی که ترکیه و باکو در سالیان گذشته ایجاد کرده‌اند یک موج گسترده قومی بر مناطق ترکمن‌نشین و آذری‌نشین ایران، منطقه اویغور نشین چین و مناطق تاتار و ترک‌نشین روسیه ایجاد کند ۴- حوزه گسترش ناتو: دالان زنگزور ناتو را به قفقاز و آسیای مرکزی وصل می‌کند واقعیت این است که اشتیاق ناتو برای توسعه به سمت شرق متوقف نشده است و هیچ‌گاه از منطقه بااهمیتی چون قفقاز و آسیای مرکزی چشم‌پوشی نمی‌کند بر همین اساس است که ناتو در دهه‌های اخیر با وجود حساسیت روسیه به حرکت ناتو به سوی شرق، به عضویت ترکیه در ناتو بسنده نکرده است و مستقیماً در قالب برنامه‌هایی مانند «برنامه مشارکت برای صلح»^۱ یا «برنامه آسمان باز»^۲ روابط با این کشورها را در دستور کار خود قرارداد و گام به گام تلاش کرده که این همکاری‌ها را توسعه دهد (kazemi, 2022: 8)

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

تحولات اخیر منطقه قفقاز جنوبی در قالب دالان زنگزور اساساً با بازی‌گردانی قدرت‌های منطقه‌ای (ترکیه) و فرا منطقه‌ای (اسرائیل از طریق برندا شیفر^۳)، در جهت دستیابی به منافع خود و غلبه بر ایران به‌عنوان رقیب منطقه‌ای و با اعمال نفوذ بر تصمیم‌گیران و رهبران جمهوری آذربایجان با استفاده از بازیگران خود شاهد اتخاذ سیاست‌های این قدرت‌ها در این منطقه هستیم با توجه به پژوهش‌های به‌عمل‌آمده و مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و نظامی در این زمینه احداث دالان زنگزور با تضعیف وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران ارتباط مستقیمی دارد در همین راستا پژوهش‌های انجام‌شده بیان‌کننده این نکته‌هست که دالان زنگزور به دلیل نقش ژئوپلیتیکش و کنشگری بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای موجب زایل شدن منافع ج.ا.ایران و منجر به کاهش وزن ژئوپلیتیکی کشور می‌شود در این پژوهش محور سیاسی با متغیرهایی که در دیاگرام زیر ذکر شده، مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به همسایگی ج.ا.ایران با حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی و قرار گرفتن در مجاورت جمهوری آذربایجان و ارمنستان، هرگونه تغییر و تحولات ژئوپلیتیکی در این منطقه تأثیر مستقیم بر منافع و امنیت ملی ایران خواهد گذشت در همین راستا طرح‌ریزی سیاست‌های جمهوری آذربایجان در

1. Partnership for peace (PFP)

2. Treaty on Open Skies

۳. برندا شیفر به نیابت از اسرائیل در آذربایجان حضور دارد وی فارغ‌التحصیل تل‌آویو بوده و در تلاش برای ایجاد

شکاف‌های قومیتی و تجزیه آذری‌نشین ایران است

شکل ۳: دیاگرام اثرهای سیاسی دالان زنگزور (نگارندگان)



رابطه با دالان زنگزور به نفع ایران نیست با عنایت به اینکه مهم ترین اثر ژئوپلیتیکی احداث دالان زنگزور قطع مرز بین المللی ایران و ارمنستان است که موجب مسدود شدن مسیر زمینی هزارساله به اروپا و دریای سیاه می شود و ایران را دچار خفگی ژئوپلیتیکی می کند به طور کلی جمهوری آذربایجان از دالان زنگزور به عنوان یک راهبرد برای افزایش امنیت و اتصال خود به نخجوان و ترکیه استفاده می کند که این سبب تضعیف موقعیت و منزلت ژئوپلیتیکی ج.ا. ایران در منطقه قفقاز می شود و از طرف دیگر منزلت ژئوپلیتیکی همسایگان ما مثل ترکیه و آذربایجان در موقعیت برتر قرار می دهد لذا آن عامل اصلی که منجر به تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی ایران خواهد شد به همان کاهش وابستگی جمهوری آذربایجان به قلمرو جغرافیایی ایران برای ارتباط با نخجوان برمی گردد که این شاید اولین و مهم ترین بخش ژئوپلیتیکی احداث دالان زنگزور در استان سیونیک باشد.

ضمن اینکه این ارتباط گیری به لحاظ هویتی طبعاً منجر به تقویت مناسبات و روابط هویتی بین نخجوان و جمهوری آذربایجان می شود، این افزایش هویتی و ژئوپلیتیکی آذربایجان می تواند در میان مدت اول به زیان هویتی بخش آذری نشین کشور تبدیل گردد که این به نوبه خود تبعات امنیتی - اطلاعاتی برای ایران به همراه دارد که ضریب امنیتی کشور را به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی وزن ژئوپلیتیکی کاهش می دهد و از سوی دیگر نقش کریدوری ایران را در رابطه با غرب تضعیف و موقعیت دسترسی کشور را روند کاهش به خود می گیرد. در نگاه کلان دالان زنگزور به عنوان یک کریدور شرقی - غربی باهدف اتصال ترکیه به کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی و در تصویر بزرگ تر اتصال چین به اروپا که در این صورت می توان شاهد اتصال دو اقتصاد بزرگ در منطقه اوراسیا بود که این راهبرد تأثیر بسزایی اول در کمرنگ کردن ایران در محور کریدوری شرقی - غربی و دوم منجر به قدرت گرفتن رقیب ژئوپلیتیکی منطقه ای ایران یعنی ترکیه می شود.^۱ احداث دالان زنگزور در آینده نه چندان دور برای برخی کشورهای منطقه از جمله ایران از زوایای سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی پیامدهای سنگینی در پی خواهد داشت و به کریدوری برای نفوذ ناتو و اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای میانه از طریق ترکیه به عنوان عضو ناتو تبدیل شده

۱. دکتر یاشار ذکی (دانشیار جغرافیای سیاسی و هیأت علمی دانشگاه تهران)

۲. دکتر سید حمزه صفوی همای (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

و از این طریق موجب تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی ایران خواهد شد، این دالان موقعیت ایران را می‌تواند در کریدور شمال- جنوب متأثر کند و ارتباط زمینی با کشورهای حاشیه دریای سیاه با محدودیت و زمینه وابستگی به ترکیه و جمهوری آذربایجان مهیا می‌شود. بنابراین هر نوع قطع ارتباط و طرح‌ریزی کشورها در خلال دالان زنگرور در استان سیونیک ارمنستان می‌تواند ایران را در میان مدت و بلندمدت با چالش مواجه بسازد و وزن ژئوپلیتیکی کشور را کاهش دهد.

شکل ۴: گراف تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در قفقاز با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)



طبیعتاً در شرایط کنونی منطقه ترکیه مهم‌ترین حامی بین‌المللی جمهوری آذربایجان به لحاظ هویتی، سیاسی و نظامی است و در مقابل هم جمهوری آذربایجان با ارائه کارت زنگرور توانسته ترکیه را در معادلات قدرت در منطقه به‌عنوان هم‌پیمان راهبردی خود نگه دارد با در نظر گرفتن این نفوذ سیاسی و ژئوپلیتیکی ترکیه در وهله اول احداث دالان زنگرور پیوستگی فضایی ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی از جمله دو بخش خاک آذربایجان و به تبع آن از طریق دریای خزر با کشورهای آسیای مرکزی تا شرق چین ترکستان منطقه‌ای که اویغورها در آن ساکن هستند را به وجود می‌آورد. در نگاه کلی‌تر توسعه این مسیر مواصلاتی، از چنان اهمیت تاریخی و استراتژیک بالایی برای رهبران دیروز و امروز ترکیه برخوردار است که علاوه بر جنوب قفقاز، محیط پیرامونی دریای خزر و اوراسیا را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرصت‌ها و شرایط جدیدی را برای آنکارا فراهم می‌سازد و روابط

ترکیه و آذربایجان و استفاده از نخجوان، می‌تواند تبدیل به پایه و مبنایی برای اتصال شرق دور و آسیای میانه و قفقاز شود در صورت عملی شدن این پروژه وزن و حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه به‌عنوان کنشگر فعال افزایش پیدا کرده و در مقابل وزن و نفوذ ایران را در منطقه تضعیف می‌کند احداث این دالان زمینه را برای تقویت روابط ترکیه با کشورهای ترک‌زبان بر روی کمر بند ترک فراهم و مهم‌ترین مانع سیاسی این کمر بند عدم پیوستگی فضایی را که از طریق خاک سرزمینی ارمنستان به وجود آمده را از میان بر خواهد داشت.

دالان زنگزور برای ترکیه یک نقش راهبردی دارد زیرا این کشور بر مبنای دکترین سابقش همواره نوعثمان‌گرایی را دنبال می‌کرده است و از جهت دیگر فاصله میان ترکیه و قزاقستان را تا حدود زیادی کاهش خواهد داد و برافزایش سطح همکاری میان کشورهای ترک خواهد افزود حتی در ابعاد وسیع‌تر احداث این دالان می‌تواند موجب ادغام کشورهای ترک‌زبان و تقویت سازمان کشورهای ترک‌زبان و پان‌ترکیسم در منطقه گردد که در این صورت ج.ا. ایران چه به لحاظ هویتی و چه به لحاظ امنیتی به شدت در شمال غربی آسیب خواهد دید

شکل ۵: گراف گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز با استفاده از نرم افزار MAXQDA (نگارندگان)



یکی از اهداف ناتو گسترش حوزه نفوذ به سمت شرق است که این طرح در قسمت بالای قفقاز با حمله گسترده روسیه به اوکراین تا الآن با شکست مواجه شده است دالان زنگزور را می‌توان به‌عنوان پروژه ثانوی در راستای این راهبرد در نظر گرفت احداث این دالان و ارتباط ترکیه از طریق این دالان با خاک جمهوری آذربایجان به‌نوعی در گستره وسیع‌تر سبب حوزه نفوذ ناتو می‌شود به‌رحال ترکیه جزئی از کل است و طبیعتاً ناتو با احداث دالان زنگزور نه‌تنها مخالف نیست بلکه به‌نوعی از این

طریق و به واسطه یک عضو خودش می‌تواند حوزه نفوذ خود را در قفقاز ایجاد کند و بعدها این حوزه نفوذ را بست بدهد و فراتر از منطقه قفقاز دامنه نفوذش را در آسیای مرکزی گسترش دهد و بتواند حلقه محاصره روسیه را تکمیل کند که اگر بادی مثبت به این قضیه اندیشیده شود تهدید اولیه برای روسیه و شاید چین باشد که این تهدید برای ایران جزء تهدید ثانویه قرار می‌گیرد و به‌عنوان منطقه حائلی بین ایران و روسیه به کنشگری می‌پردازد اما در حالت کلی وجود هر نوع پیمان نظامی در جوار مرزهای ایران موجب کاهش ضریب امنیتی و به وجود آمدن حساسیت امنیتی برای ایران می‌شود که این به‌عنوان یک عامل کاهنده وزن ژئوپلیتیکی در نظر گرفته می‌شود احداث این دالان می‌تواند در نقش لجستیکی برای ناتو کار کند که از این طریق انرژی مورد نیاز اتحادیه اروپا که در تنش‌های روسیه با اروپا با محدودیت مواجه شده را برطرف کند. و همچنین احداث دالان زنگرور کشورهای همسوی ناتو با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و این موضوع می‌تواند وزن و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را متأثر خواهد کرد که در این صورت مسیر جایگزینی برای تأمین منافع و پیشبرد اهداف راهبردی خود بین سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان ایجاد خواهد کرد که قطعاً ساختار سیاسی منطقه را با عضو کنشگر و فعال خود یعنی ترکیه تغییر خواهد داد.

شکل ۶: گراف کارکردهمسوی دالان زنگرور با سیاست‌های ناتو با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA



برای برآورد وزن ژئوپلیتیکی کشور نقش عوامل مثبت و منفی قدرت ملی حائز اهمیت است در واقع وزن ژئوپلیتیکی موقعیت یک کشور یا منزلت آن را در مجموعه‌ای از کشورها یا در سیستم ژئوپلیتیک

جهانی یا منطقه‌ای نشان می‌دهد بنابراین باید به نقش عوامل و متغیرهای مؤثر قدرت ملی در ابعاد نه‌گانه توجه می‌شود با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر اینکه احداث دالان زنگزور در استان سیونیک با استقلال حاکمیتی جمهوری آذربایجان موجبات بی‌ثباتی سیاسی و کاهش موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه را فراهم می‌کند که در نتیجه این نقش منفی در قدرت ملی ایجاد می‌کند پس بر وزن ژئوپلیتیکی ایران تأثیر منفی گذاشته و زمینه را برای کاهش قدرت ملی مهیا می‌کند در گراف زیر اثرهای سیاسی دالان زنگزور که موجب کاهش وزن ژئوپلیتیکی ج.ا. ایران هستند بررسی و ترسیم شده است.

شکل ۷: مدل سیاسی دالان زنگزور با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)



۷- نتیجه‌گیری:

دالان زنگرور به‌عنوان قطعه‌ای کلیدی و قرار گرفتن آن در منطقه‌های تارلند مکیندر در ساختار نظام جهانی حائز اهمیت است که در نگاه اولیه متصل دهنده جمهوری خودمختار نخجوان با خاک اصلی جمهوری آذربایجان که با زایل کردن استقلال ارمنستان بر منطقه سیونیک حاصل می‌شود. این منطقه به‌دلیل هم‌مرز بودن و حائلی بودن کشور ارمنستان برای ج.ا.ایران به لحاظ راهبردی حائز اهمیت است. ج.ا.ایران تحولات قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و در پی آن مطرح شدن دالان زنگرور علاوه بر چالش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در بستر تهدید امنیت ملی نیز تفسیر می‌کند زیرا زمینه را برای تغییر ژئوپلیتیک منطقه و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم می‌کند و موجبات کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران را مهیا می‌کند اصولاً بازیگری بازیگران در دالان زنگرور در سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی قابل بررسی است. به‌طور کلی دالان زنگرور به دلایل تغییر مرزهای بین‌المللی، کاهش وابستگی جمهوری آذربایجان به ایران، افزایش تقابلات هویتی، کم‌رنگ کردن ایران در محور شرقی- غربی، قدرت گرفتن رقیب ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، و مسائلی همچون پیوستگی فضایی ترکیه با جمهوری آذربایجان، دریای خزر و کشورهای آسیای مرکزی، افزایش مناسبات کشورهای ترک‌زبان و رشد نوع‌شان‌گرایی از جمله آثار گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز و همچنین زمینه را برای گسترش حوزه نفوذ ناتو به سمت شرق، جایگزین کردن انرژی روسیه و حساسیت‌های امنیتی ایران که در ذیل شاخص‌های سیاسی ناتو در همسوی دالان زنگرور است را مهیا می‌کند که می‌توان در بحث سیاسی این دالان جای داد. در شرایط کنونی و پیچیده جهان امروز از جمله رخ دادن جنگ غزه و وجود دو متغیر، یعنی متغیر اول حمایت ترکیه، اسرائیل، کشورهای اروپایی و در بعضی موارد روسیه از جمهوری آذربایجان و متغیر دوم حمایت آمریکا و فرانسه از جمهوری ارمنستان تصمیم‌گیری درباره آینده دالان زنگرور با مشکل مواجه شده است، ولی در کل چند سناریو در رابطه با این موضوع وجود دارد: سناریوی اول احداث بزرگراه ارتباطی برابر بند ۹ توافق آتش‌بس ۲۰۲۰ و برقراری ارتباط زمینی آذربایجان با نخجوان با مالکیت ارمنستان، سناریوی دوم توافق توأم با اعمال فشار بر ارمنستان و احداث دالان زنگرور که در واقع این سناریو اجرای طرح گوبل یعنی احداث این دالان در مرز ایران به عرض ۱۰ کیلومتر تحت مالکیت جمهوری آذربایجان خواهد بود که منجر به کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه شده و سناریوی سوم تداوم وضع موجود با این پیش‌فرض که مسیرهای ارتباطی در منطقه بازگشایی نشده و رابطه ارمنستان با ترکیه و آذربایجان همچنان در سطحی متشنج باقی بماند.

۸- سپاسگزاری

نویسندگان این پژوهش بر خود لازم می‌دانند از کلیه اساتید دانشگاه‌ها و متخصصان نظامی در این حوزه که در این مقاله یاری دادند کمال تشکر و قدردانی را بعمل آورند.



References

1. Abdullah Khani, A (2020), Theories of security, Tehran: Abrar Moaser of Tehran Institute, [in Persian].
2. Aghahasani, A (2023) "Neo-Ottomanism and Türkiye's Regional Strategies in Central Asia" Institute for Strategic Studies of the East, <https://www.iess.ir/fa/note/3198>, (Accessed on 9/9/2023), [in Persian].
3. Adler, E (2008), The spread of security communities- communities of practice, self restraint and natos post-cold war transformation, European journal of international relations vol14 No2, 24-47 doi/10.1177/1354066108089241
4. Akhbari, M (2019), The geopolitical consequences of the Karabakh crisis on Iran's relations in the Caucasus, Space Political Analysis Quarterly, Vol3, No 1, 19-30, <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26455145.2020.3.1.3.2> [in Persian].
5. Atzili. B. Kim. M. (2023), why buffer zones are vital for understanding great power conflict, International affairs blog, 1-14, <https://medium.com/international-affairs-blog>
6. Baghirov. O. (2021), the impact of the opening of zangezour corridor on regional transportation and communication lines, Air center, 1- 9. <https://aircenter.az/>
7. Bozan, Bari, People of Governments and Fear (2010), translated by Strategic Studies Research Institute, Tehran, Strategic Studies Research Institute.
8. Buzan. B. WÆVER. O, (2009), "Macrosecuritisation and Security Constellations: Reconsidering Scale in Securitization Theory" Review of International Studies, Vol.35, pp.253-276
9. Dadandish, P ; Kozegar Koleji, V (2018), Critical review of the theory of regional security complex using the security environment of the South Caucasus region, Strategy Quarterly, Vol19, No56, 73-107, <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.10283102.1389.18.3.1.0> [in Persian].
10. De waal. T. (2021), In the south Caucasus can new trade routes help overcome a history of conflict, Carnegie Europe.
11. Dehrawieh, M (2011), regionalism with a political and security approach, geopolitics weblog, <https://todaygeopolitic.blogspot.com/> [in Persian].
12. Gawliczek, Piotr and Khayal Iskandarov (2023), "The Zangezour Corridor as part of the Global Transport Route-Against the Backdrop of Power Games in the South Caucasus Region" Security and Defence Quarterly, Vol. 44, No.1, pp.36-53, (Doi: <https://doi.org/10.35467/sdq/161993>).
13. Hafeznia. M. Ahmadi. S. Hourcad. B. (2012), Explanation of the structural and functional characteristics of geographical buffer spaces, Geopolitics quarterly, vol8, No4, 1-40, <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354331.1391.8.28.1.3> [in Persian].



14. Iran Research Center (2023), "Zangzor Pass and its Consequences on the Geo-Economic Situation of Iran" pp. 1-38, Tehran, Available at: <https://otaghiranonline.ir/UFiles/Docs/2023/11/22/Doc2023112209013261> (Accessed on 21/11/2023) [in Persian].
15. Veldani, J; Hamami, S, Y and Hakim, H (2014), geopolitical changes in the Caucasus and the effect of geopolitical fixed factors resulting from it on the national security of J.A. Iran, Afaq Security Quarterly, Vol8, No28,135-160, https://ps.ihu.ac.ir/article_200500[in Persian].
16. Kakaei, S and Dehghani Firouzabadi, S, J (2021) "Türkiye's Policy in the Karabakh Conflict" Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies, Vol. 27, No.115, pp. 97-122, http://ca.ipisjournals.ir/article_252451.html, [in Persian].
17. Koch, M. (2023), "Reasons for Iran's Opposition to the Opening of Zangzor Corridor" Anatolian Analytical Institute, Available at: <https://www.aa.com.tr/fa/-/3001956> (Accessed on, 15/4/2023), [in Persian].
18. Kazemi, A (2023), NATO Torani Corridor, NATO and International Zionism's Joint Conspiracy Against Iran, Russia and China, Abrar Contemporary International Studies and Research Institute, 1-17[in Persian].
19. Ketenci, A (2022), "Questions Importance of Zangezur Corridor for the Region Explained" Anadolu Ajansi, Available at: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/3-questions-importance-of-zangezur-corridor-for-the-regionexplained/2769019> , (Accessed on, 21/12/2022).
20. Kolivand, Kh; Amirpour, I; Jedi, I (2023), Iran's threats and opportunities in the formation of the geometry of the new world order with the approach of Anatolian developments, International Conference on the Geometry of the New World Order, 1-18[in Persian].
21. Movahedian, E (2022), Azerbaijan Republic's goals for the construction of Zangzor Corridor, Atna Publications, page1-13[in Persian].
22. Momeni, M, Rahimi, O (2016), confrontation between Iran and Israel and its effect on the expansion of political security relations between Israel and the Republic of Azerbaijan, Central Eurasian Studies, Vol10, No 2, 415-431, <https://doi.org/10.22059/jcep.2018.210209.449655> [in Persian].
23. -Mostafavi, S,M, Molodi, A, Mokhiri, H (2021),Zangzor Corridor and Iran's National Security, Center for Scientific Research and Middle East Strategic Studies, <https://www.cmess.ir/Page/View/2021-12-26/4954> [in Persian].
24. Motahari, M (2023), Turkey's military and political geopolitical achievements in Karabakh, Ipsc International Center for Peace Studies, <https://peace-ipsc.org/> [in Persian].

25. Normatov, A. (2022). About the emergence of geometry. Web of Scientist: International Scientific Research Journal.
26. Rafatnejad, S; Tahani, A and Abbas Maleki (2015) "Strategic Contexts of the Presence of the Zionist Regime in the Republic of Azerbaijan" Defense Strategy Quarterly, Vol. 13, No. 52, pp. 117-152, Available at: https://ds.sndu.ac.ir/article_575.html , [in Persian].
27. Sharifzadeh, Z (2020), "Turkey's Goals in Azerbaijan" Iranian Journal of International Relations, Available at: <https://www.iirjournal.ir/609>, (Accessed on 13/11/2021) [in Persian].
28. Sadeghian, H (2023), "Zangzor Corridor of Direct Struggle of Multilateral Interactions" Noor Institute of Strategic Studies, Available at: <http://as-noor.ir> (Accessed on, 21/6/2023) [in Persian].
29. Tomar, C (2021) "Analysis from Turkic Speaking Countries to Turkish States" Anadolu Ajansi, <https://www.aa.com.tr/en/2422657>, (Accessed on 2/21/2023).

**COPYRIGHTS**

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

